



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems in Iran
E-ISSN: 2645-7539
Vol. 12, Issue 3, No.42, Autumn 2023, pp. 21-40
Received: 07.10.2023 Accepted: 28.11.2023

Research Paper

Social Trauma Field and Trauma Habitus with an Emphasis on Bourdieu's Theory

Esmail Nouroozi

Ph.D. Student of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
esnourozi.96@gmail.com

Fatemeh Golabi* 

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
f.golabi@tabrizu.ac.ir

Tavakkol Aghayari Hir

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
t.aghayari@tabrizu.ac.ir

Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
m.alizadeh@tabrizu.ac.ir

Introduction

The present study aimed to explore the concept of social trauma and its implications for habit formation from a sociological perspective with a particular emphasis on Bourdieu's theories of field, habitus, and Hysteresis. Bourdieu, a prominent sociologist, has provided experimental explanations of various social fields and their deconstructions, which can be understood as traumatic situations from a sociological standpoint. According to Bourdieu, in conditions of individual and social stability, change occurs gradually and predictably, likening each person to a "fish in water." This suggests that habit and field are in harmony with each other, forming what Bourdieu termed habitus. The habitus, or embodied dispositions, is in a constant state of flux in response to new experiences. However, in critical moments or when the structure of the field undergoes significant changes, the habitus may struggle to adapt to these fundamental and sometimes catastrophic shifts, leading to a state of disorganization. This disorganization reflects the disparity between the new situations arising from changes in the field and the agents within the field, who must comprehend and navigate the new landscape. This process of disintegration as described by Bourdieu is closely related to the concept of social trauma. The term "trauma," derived from the Greek word "traumat," meaning to wound, is often used interchangeably with post-traumatic stress disorder. In essence, the new situations that emerge within the field can become traumatic, leaving a profound gap in both the field and habitus.

Materials and Methods

This study employed a qualitative approach grounded in theory. Data collection and analysis were conducted by using purposeful sampling and the technique of semi-structured interview with the citizens of Tabriz in the year of 1402. The targeted sampling method utilized in this research aimed at achieving maximum diversity with the inclusion criteria encompassing a range of factors, such as gender, age, residential area (prosperous, marginal, middle-class), marital status, education, occupation, and income.

Discussion of Results and Conclusion

The findings revealed that the field of social trauma exhibited an inescapable hysteresis of economic capital, devaluation of cultural capital, and a crisis in social capital. These factors contributed to the formation of habitus characterized by hopelessness, fear of the future, inner turmoil, and a sense of inadequacy. These elements in a dialectical interplay exacerbated the distortions within the field and habituation, rendering the situation more complex and precarious.

Ultimately, the research findings indicated that the activists were situated within a field of social trauma and

*Corresponding author

Nouroozi, E., Golabi, F., Aghayari Hir, T., & Alizadeh Aghdam, M. B. (2023). Social trauma field and trauma habitus with an emphasis on bourdieu's theory. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 12(3), 21-40.

2645-7539 / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2023.139392.1950>

disintegration marked by fundamental crises in the realms of economy, culture, and society. Accessing economic resources had become nearly unattainable, while cultural capital had lost its influential role in enhancing individuals' status. Consequently, people had become isolated, their social connections had dwindled, and the activists had experienced alienation. This had resulted in a loss of social trust and diminished social participation. Therefore, life in this traumatic field, contrary to Bourdieu's perspective, which

posits disturbances as temporary (though historically accurate), had engendered enduring traumatic habits, such as despair, a sense of helplessness, and emotional distress. The dialectical relationship between the traumatic field and traumatic habits had contributed to the deterioration of the social trauma field and, in accordance with Foucault's views, had led to the erosion of humanity and the human experience.

Keywords: Field, Habitus, Social Trauma Field, Hysteresis.



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال دوازدهم، شماره پیاپی (۴۲)، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲، ص ۲۱-۴۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

مقاله پژوهشی

میدان ترومای اجتماعی و عادت‌واره‌های ترومایی با تأکید بر نظریه بورديو

اسماعیل نوروزی، دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

esnorozhi.96@gmail.com

فاطمه گلابی ^{ID} *، استاد، گروه علوم اجتماعی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

f.golabi@tabrizu.ac.ir

توکل آقایی هیر، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

t.aghayari@tabrizu.ac.ir

محمدباقر علیزاده اقدم، استاد، گروه علوم اجتماعی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

m.alizadeh@tabrizu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با موضوع و هدف فهم میدان ترومای اجتماعی و عادت‌واره‌های متناسب با آن، با نگاه جامعه‌شناختی و با تأکید بر نظریه میدان، عادت‌واره و ناسازی بورديو انجام شد. روش استفاده‌شده، کیفی از نوع گراند تئوری است. داده‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاری از ۳۰ نفر از شهروندان شهر تبریز در سال ۱۴۰۲ انجام شد؛ سپس داده‌ها جمع‌آوری و به شیوه کدگذاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد کنشگران، میدان ترومای اجتماعی را دارای ناسازی‌هایی در ناممکنی کسب سرمایه اقتصادی، بی‌ارزشی سرمایه فرهنگی و بحران سرمایه اجتماعی می‌دانند که به خلق عادت‌واره‌های ناامیدی و ترس از آینده، روان‌های پریشان و احساس بی‌عملیتی منجر می‌شود و این دو در یک رابطه دیالکتیک، ناسازی‌های میدان و عادت‌واره را تشدید و اوضاع را مخاطره‌آمیز می‌کنند. **واژه‌های کلیدی:** میدان، عادت‌واره، میدان ترومای اجتماعی، ناسازی.

* نویسنده مسؤول

نوروزی، ا.؛ گلابی، ف.؛ آقایی هیر، ت. و علیزاده اقدم، م.ب. (۱۴۰۲). میدان ترومای اجتماعی و عادت‌واره‌های ترومایی با تأکید بر نظریه بورديو. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۳)، ۲۱-۴۰.



2645-7539 / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

<https://doi.org/10.22108/srsp.2023.139392.1950>

مقدمه و بیان مسئله

گاهی انسان‌ها با قرار گرفتن در فضاها نامأنوس، احساس سردرگمی و ناخوشایندی می‌کنند. چنین فضاها، نتیجه ساختار اجتماعی در معرض تغییرات بی‌وقفه است. گرچه افراد و جوامع در پایداری و ثبات می‌کوشند، هرگز این امر به‌طور کامل، تحقق نمی‌یابد. تغییرات، چه مثبت و چه منفی، بر رفتار و منش فرد تأثیر می‌گذارد، به همین سبب نظریه‌پردازان و به‌ویژه جامعه‌شناسان، به تغییرات اجتماعی و تأثیرات آنها بر باورها، عقاید، رفتار و زندگی کنشگران اجتماعی، توجه کرده و در تبیین آنها کوشیده‌اند؛ مثلاً گیدنز^۱ (۱۹۷۱) تغییر اجتماعی را تنها در تحول نهادهای اساسی جامعه در یک دوره معین می‌بیند، اما فارلی^۲ (۱۹۷۱) علاوه بر تغییر نهادها، تحول در الگوی رفتار، روابط اجتماعی و ساختار در طی زمان مشخص را تغییر اجتماعی می‌نامد. در صورتی که گروهی دیگر از دانشمندان مانند مک‌آیور و پیچ^۳ (۱۹۶۵)، تنها تغییر اجتماعی را برحسب تغییر در روابط اجتماعی تعریف می‌کنند (گی‌روشه، ۱۳۹۱ به نقل از حسینی قمی، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

مسلم است که همه تغییرات اجتماعی خوشایند نیستند، گاهی تغییرات چهره ناخوشایندی به خود می‌گیرند و انسان را دچار چالش‌های اساسی و روند عادی زندگی‌اش را مختل و نابسامان می‌کنند، معمولاً از چنین وضعیتی، با نام تهدید، مخاطره، فاجعه یا تروما یاد می‌شود. در عصر حاضر، خطرهای و تهدیدهای زیادی، مانند بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اپیدمی‌های مکرر، زندگی انسان‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و آرامششان را تهدید کرده است. زندگی چنین اوضاعی، معنای خود را از دست می‌دهد و انسان‌ها را پریشان می‌کند.

جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر، هرکدام به سهم خود به برخی از وضعیت‌های ناخوشایند بشری اشاره کرده‌اند؛ برای

مثال دورکیم^۴ (۱۸۹۳)، شرایط بی‌ثبات را آنومی^۵ یا نامید، یعنی احساس بی‌هدفی، یا یأس و حرمان که از زندگی اجتماعی مدرن نشئت می‌گرفت (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۱۶۰). مارکس^۶ از خودبیگانگی، و بر^۷ قفس آهنین و زیمل^۸ فاجعه فرهنگ را مطرح کردند، مرتن^۹ از ناهم‌خوانی اهداف و وسایل دستیابی به آنها، گیدنز^{۱۰} از ناامنی هستی‌شناختی، هابرماس^{۱۱} (۱۹۸۴) از استثمار زیست جهان حیاتی به‌وسیله نظام و فوکو^{۱۲} (۱۹۶۶) از مرگ انسان‌ها سخن گفتند و در نهایت یک^{۱۳} (۱۹۸۰) جامعه امروز را به‌صورت آشکار، جامعه ریسک نامید که خطرات پنهان و آشکار، به مسئله اساسی آن تبدیل شده است (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۲).

در میان جامعه‌شناسان، بوردیو^{۱۴} (۱۹۸۷) به‌طور تجربی، میدان‌های اجتماعی مختلف و ناسازی‌های - به تعبیری وضعیت‌های ترومایی - آنها را با رویکرد جامعه‌شناختی، تبیین کرد. او معتقد است در شرایط ثبات فردی و اجتماعی، تغییر به‌آرامی در مسیرهای پیش‌بینی‌شدنی روی می‌دهد و هر فرد به‌مثابه «ماهی در آب» است. در واقع عادت‌واره و میدان، در سازگاری با هم قرار دارند و عادت‌واره مدام در واکنش به تجربیات جدید تغییر می‌کند. در شرایط دیگر و به‌طور خاص در مقاطع بحرانی، عادت‌واره باید به تغییرات بنیادی و گاه فاجعه‌بار میدان پاسخ دهد، اما چنین واکنشی زمان‌بر است. در شرایطی که ساختار میدان به‌کلی تغییر می‌یابد و چیز جدیدی ظهور پیدا می‌کند، موقعیت‌های تازه‌ای در میدان - که بیشتر موقتی‌اند - به وجود می‌آیند. عادت‌واره در پاسخ به این موقعیت‌های جدید تغییر می‌کند، اما جایی که موقعیت‌های میدان یک فرد هنوز در حال شکل‌گیری است، این تغییر

⁴ Durkheim

⁵ Anomie

⁶ Marx

⁷ Weber

⁸ Simmel

⁹ Merton

¹⁰ Giddens

¹¹ Habermas

¹² Foucault

¹³ Beck

¹⁴ Bourdieu

¹ Giddens

² Farley

³ Mac Iver & Page

خوب بودن یک کنشگر فردی یا جمعی را از بین می‌برند. انسان به امنیت، نظم، عشق و ارتباط نیاز دارد؛ بنابراین اگر اتفاقی بیفتد که این نیازها را به شدت تضعیف کند، مردم احساس تروما می‌کنند (Alexander et al., 2004: 2-3).

علاوه بر آنچه پیش رفت، مرور متون مرتبط نشان می‌دهد نه تنها فهم وضعیت‌های ناسازی و ترومایی میدان‌های اجتماعی و عادت‌واره‌های مرتبطشان، مسئله مهم و اساسی است، تبیین آنها با رویکردهای جامعه‌شناختی نیز، اساسی‌تر است. همچنان‌که کوشنر¹⁰ (2018) معتقد است بحران‌های اقتصادی و بیکاری در غرب، همچنان عامل افزایش دوره‌ای نرخ خودکشی است؛ بنابراین محققان تأکید دارند که رفتارها و انگیزه‌های فردی از طریق مطالعه نیروهای اجتماعی - و به‌ویژه اقتصادی - آشکار می‌شود.

بوردیو (1987) نیز در بحث ناسازی¹¹ در موقعیت شکل‌گیری میدان یک فرد، از تغییرات اساسی-وضعیت ترومایی - سخن می‌گوید که در آن، شکاف میان موقعیت‌های جدید ناشی از تغییر میدان، با عواملان درون میدان برجسته می‌شود که نگرش‌ها و اعمال خاصی دارند و باید میدان جدید را بفهمند و اشغال کند تا ناسازی انجام شود (گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۱۰). در واقع چنین استنباط می‌شود که از نظر بوردیو، فضای اجتماعی، سازنده انسان‌هاست. به عبارت دیگر همه انسان‌ها را فضایی در بر گرفته است که آنها را می‌سازد. در واقع برای بوردیو، انسان خارج از فضای اجتماعی تصورشدنی نیست. سؤال اینجاست که اگر چنین فضایی در وضعیت ترومایی قرار گیرد، کنشگران اجتماعی با چه عادت‌واره‌هایی مواجه می‌شوند و چگونه عمل می‌کنند؟

بوردیو دقیقاً در بحث ناسازی است که از انتقادهای مربوط به توجه نکردن به آزادی کنشگران، رهایی می‌یابد و معتقد است تغییرات در وضعیت ناسازی اتفاق می‌افتد و عاملیت خود را نشان می‌دهد؛ اما اگر این وضعیت ناسازی،

چندان پیش‌بینی‌شدنی نیست. ناسازی در این حالت و وقتی ظهور می‌کند که تغییرات مشخص و تعیین‌یافته نیستند و شکاف میان موقعیت‌های جدید ناشی از تغییر میدان را با عواملان درون میدان نشان می‌دهند که نگرش‌ها و اعمال خاصی دارند و باید میدان جدید را بفهمند و اشغال کنند (گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۱۰).

یکی از اصطلاح‌های مهم مرتبط با وضعیت ناسازی بوردیو (1987)، مفهوم ترومای اجتماعی¹ است. تروما از کلمه یونانی «تروما»² گرفته شده است که به معنای زخمی کردن است و بیشتر به جای اختلال استرس پس از سانحه³ استفاده می‌شود (Tosone, 2021; 283). در واقع، گاهی موقعیت‌های جدید به وجود آمده در میدان، موقعیت‌های ترومایی می‌شود و اتفاقاً دوام هم می‌آورد و میدان و عادت‌واره را با شکاف عمیقی روبه‌رو می‌کند.

مطالعات زیادی پیامدهای وضعیت ترومایی را بررسی و با اصطلاح‌های مختلفی سعی کرده‌اند، اهمیت و ضرورت تبیین چنین وضعیت‌ها و پیامدهایش را روشن کنند؛ از جمله الگزندر و همکاران⁴ (2004) که ترومای فرهنگی⁵ را مطرح و آن را «فرایند تروما»⁶ نامیدند. این موضوع در زمانی اتفاق می‌افتد که تجربه جمعی از هم‌گسختگی گسترده و بحران‌های اجتماعی، به بحران معنا و هویت تبدیل می‌شود (Eyerman, 2001: 3). توسون⁷ (2021) ترومای مشترک⁸ را به «پاسخ‌های عاطفی، رفتاری، شناختی، معنوی و چندوجهی مربوط می‌داند که متخصصان سلامت روان در نتیجه مواجهه اولیه و ثانویه با همان آسیب‌های جمعی مشابه مشتریان خود، تجربه می‌کنند. تئوری عامیانه⁹ نیز، تروماها را رویدادهایی می‌داند که معمولاً به‌طور طبیعی رخ می‌دهند و احساس

¹ Social Trauma

² Traumat

³ Post-traumatic stress disorder

⁴ Alexander et al.

⁵ cultural Trauma

⁶ trauma process

⁷ Tosone

⁸ Shared Trauma

⁹ Lay Trauma Theory

¹⁰ Kushner

¹¹ Hysteresis

برخلاف نظر بوردیو، برای مدتی طولانی دوام آورد، اوضاع چگونه خواهد شد؟

مرور نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات صاحب‌نظران علوم اجتماعی ایران با لنز ناسازی بوردیو، نشان می‌دهد این میدان اجتماعی در سال‌های اخیر، ناسازی‌های اساسی و ترومایی را تجربه می‌کند؛ برای مثال، کاظمی‌پور معتقد است که ایران با مسئله مهم فقدان ثبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند بحران بیکاری، تزلزل بنیان خانواده، بی‌تفاوتی اجتماعی، نبود اعتماد اجتماعی، گسست میان نسلی و فرار مغزها مواجه است. در نظرسنجی انجام‌شده از اندیشمندان اجتماعی ایرانی در سال ۱۳۹۵ از سوی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، معیدفر جامعه ایران را جامعه بی‌مسئله می‌نامد، یعنی این جامعه هنوز مسئله اجتماعی را در خود آگاهش هضم نکرده است و هیچ توافقی بر گرفتاری‌های خود بین متولیان امر ندارد و این خود مسائل زیادی را به وجود می‌آورد. سراج‌زاده مسئله مهم جامعه ایران را قانون‌گریزی و فساد اداری می‌داند و مشکلات شرایط فعلی جامعه را فقر و بیکاری، اعتیاد، افزایش نزاع و درگیری، انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌های فساد اداری و قانون‌گریزی و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، بحران آب، مسائل زیست‌محیطی، خشک‌سالی و آلودگی می‌شمارد و از آنها با عنوان ابرچالش یاد می‌کند. فرستخواه نیز مسائلی از جمله مشکلات زیست‌بومی، اقتصادی، فساد سیستماتیک بوروکراسی دولت، ناکارآمدی دستگاه اجرا، وجود دستگاه‌های سایه در قوای مختلف، شکاف دولت و ملت، شکنندگی همبستگی ملی، حقوق گروه‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری نظم اخلاقی جامعه، مخدوش شدن سرمایه‌های اجتماعی، ناکارکردی شدن نهادها مانند خانواده، دین، آموزش و پرورش، اقتصاد، دولت و دانشگاه و دست‌آخر نیز، شیخ وضعیت استثنایی در کشور، بر اثر شکست دیپلماسی را مهم‌ترین چالش جامعه ایران می‌داند (پیری، ۱۳۹۷). نجاتی با اشاره به نتایج پژوهش «آینده پژوهی ایران در سال ۱۳۹۶»، می‌گوید جامعه ایرانی از دو چالش رنج می‌برد: آنهایی که طی این

سال‌ها همواره وجود داشته‌اند و بخش زیادی از آنها حل‌نشده باقی مانده است و نیز چالش‌های جدیدی که روز به روز برای جامعه ایرانی ایجاد می‌شود. براساس نتایج آن پژوهش، سه مسئله «ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصادی»، «بحران تأمین آب» و «بیکاری» در صدر مسائل اصلی و سناریوهای پیش روی ایران در سال ۱۳۹۶ قرار گرفته‌اند. نکته جالب در این بررسی، این است که سهم بالای مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی، عواقب و ریشه‌های اجتماعی دارد، به طوری که از مجموع ۱۰۰ چالش معرفی‌شده، ۵۲ چالش به مسائل اجتماعی مربوط می‌شوند (نجاتی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین این پژوهش به پشتوانه نظریه میدان و عادت‌واره و به خصوص نظریه ناسازی بوردیو، به دنبال فهم و تفسیر جامعه‌شناختی این میدان ترومای اجتماعی با ناسازی‌هایش و عادت‌واره‌های متناسب با آن است که با تکیه بر توصیفات و تفاسیر کنشگران اجتماعی، می‌کوشد سؤال مهم «درک و فهم کنشگران اجتماعی از میدان ناسازی و ترومایی و عادت‌واره‌های ترومایی آن، چگونه است؟» را با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی، به‌ویژه نظریه بوردیو، پاسخ دهد.

پیشینه تجربی

برای فهم وضعیت ترومایی و ناسازی و عادت‌واره‌های آن در این بخش، نمونه‌ای از پژوهش‌های داخلی و خارجی آورده می‌شود که قربانی با موضوع دارند و در پایان با نقد و بررسی تحقیقات پیشین، به نوآوری و بدعت این پژوهش اشاره می‌شود.

مراسم ازدواج در بی‌آرن^۱ (2002)، پژوهشی است که بوردیو در آن، بحرانی را توصیف می‌کند که به واسطه تحولات سراسری فرانسه و در پی تصویب قوانین دولتی در باب ارث - میدانی متفاوت از آنچه قبلاً مبتنی بر مذهب بود- استراتژی‌های جدیدی برای ساختارهای دگرگون‌شده میدان نیاز بود. اما در واکنشی به این تحولات، این عادت‌واره فردی

¹ Aren

فارول^۲ (2001) یک تحقیق قوم‌نگاری را براساس مصاحبه با مطلعان کلیدی و دربارهٔ ۳۳ جوانی انجام داد که به سودان بازگشته بودند. او منابع آسیب‌ها و راهبردهای مقابله‌ای را توصیف و نیاز به مداخلات برنامه‌ریزی‌شده برای ارائه حمایت روان‌شناختی را به آن جمعیت پیشنهاد کرد. لی و همکاران^۳ (2001) در مطالعه‌ای که در مرکز روانی اجتماعی پناهندگان در نروژ انجام شد، نشان دادند قرارگرفتن در معرض رویدادهای تهدیدکنندهٔ زندگی، خشونت فیزیکی و جدایی اجباری از خانواده، پیش‌بینی‌کنندهٔ قوی پریشانی روانی‌اند. برهم و لانگر^۴ (2020) در پژوهش خود بر ترومای اجتماعی از دیدگاه اجتماعی روان‌شناختی، معتقدند که درک پارادایمی از ترومای اجتماعی، فرض می‌کند پدیده‌های خشونت جمعی و با میانجی‌گری جمعی، باید همیشه در زمینه‌های اجتماعی درک شوند که در آن رخ می‌دهند و پیامدهایی دارند. در این راستا، روان‌شناسی اجتماعی، سهم بسزایی در درک آسیب‌های اجتماعی دارد (Hamburger et al., 2020: 219).

سیه‌روزی جهان، کار پژوهشی دیگر بوردیو است که در آن مثال‌هایی دردناک و دل‌خراش از چالش‌های ناشی از ناسازی مطرح می‌شود و ناسازی عادت‌وارهٔ اکتسابی را در میدان و نیاز به داشتن عادت‌واره‌ای مناسب را در میدانی دیگر توضیح می‌دهد. او بیشتر ناسازی را در سطح فردی تحلیل می‌کند؛ مثل داستان خانوادهٔ الجزایری که به فرانسه مهاجرت می‌کنند و خود و خانواده‌شان دچار مشکلات اساسی می‌شوند (گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۱۷). پدوویچ و هدریه^۵ (2019) در مطالعهٔ کیفی خود با عنوان «ترومای اجتماعی و دل‌بستگی عاطفی»، معتقد است یکی از راه‌هایی که مفهوم تروما به کار می‌رود، مقابله با پیامدهای منفی و ناکارآمدی است و تغییرات اجتماعی را در پی خود به جای می‌گذارد.

بود که متحول شد. بازندگان، پسران روستایی بودند که در نتیجهٔ ازدواج مکرر، میزان ارتشان کاهش و جایگاه آنان تنزل می‌یافت (گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۱۲).

تحولات اجتماعی در الجزایر، پژوهش دیگر بوردیو (1987) بود که در آن نشان می‌دهد وقتی میدان دستخوش بحرانی بزرگ شود، مناسبات آن (و حتی قواعد آن) کاملاً متحول می‌شود. نبرد الجزایر از این دست بحران‌ها بود که قواعد حاکم بر میدان فکری و اجتماعی را در این کشور به هم ریخته و موقعیت‌های زیادی را در میدان جدید برای جای‌گیری افراد ایجاد کرده بود، اما این موقعیت‌ها ضمانت و ثبات کمی داشتند و بر همان قیاس، الگوهای عادت‌واره نیز تعیین نیافته بودند. به علاوه، روش‌های سنتی زندگی و علایق ریشه‌دار فرهنگی، با ورود تکنولوژی‌های جدید با چالش جدی روبه‌رو شده بود (گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۱۳-۲۱۴).

هدری و هوسرموویچ^۱ (2019) در مطالعه‌ای به نام «روان‌شناسی سازمانی: ردپای تروماتیک در سازمان»، نشان دادند تروما و حافظهٔ جمعی در جوامع، بر جنبه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارد. این جنبه‌ها شامل اشتغال، کار و بیکاری، به خصوص در کشورهای در حال توسعه با تجربهٔ تروماست (Hamburger et al., 2020: 236).

در پژوهش میدان دانشگاهی، بوردیو (1988) به‌نوعی تغییر واقعی در میدان اشاره دارد و می‌گوید تعداد دانشجویان به شدت افزایش یافته بود، اما قواعد جایگزینی استادان و کارکنان آموزشی، مانع افزایش هم‌زمان استادان و کارکنان بخش آموزش شده بود، شکاف عمیق بین آرمان‌های فروکوفته در بحران، جایگزینی ناشی از تغییر شرایط استخدام شده بود و عادت‌واره تازهٔ متولد شدهٔ مریبان بلند پرواز نیز وجود داشت. اعضای جدید دانشگاه در جهان تازه شکل یافته، به موقعیت‌هایی دست می‌یافتند، اما مریبان مشغول به کار، با عادت‌واره‌های ناشی از ساختارهای میدان پیشین، دچار ضربه می‌شدند (گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۱۴-۲۱۵).

¹ Hyde & Husermovich

² Farwell

³ Lie et al.

⁴ Brehm & Langer

⁵ Pedović and Hedrih

از نتایج تحقیقات خارجی مرتبط با وضعیت ترومایی، چنین برمی‌آید که وضعیت‌های ترومایی یا به قول بوردیو (1987)، ناسازی، وضعیت‌های غیرعادی حاکم بر میدان کنشگران اجتماعی‌اند که بر باورها و روح و روان کنشگران-عادت‌واره‌ها- تأثیر می‌گذارند و خلق و خو و منش‌های خاصی را به وجود می‌آورند که منش‌های مناسبی برای ادامه حیات نیستند؛ بنابراین نیاز به مداخلات تخصصی را ضروری می‌کند. نتایج مطالعات داخلی نیز، هرچند اندک‌اند، اما آنها نیز از منش‌های کنشگران دارای تجربه تروما و ناسازی‌های اجتماعی، تغییرات اساسی می‌یابند.

ارزیابی پیشینه تجربی نشان می‌دهد با وجود مطالعات ارزشمند درباره وضعیت‌های غیرعادی و ناخوشایند اجتماعی - ناسازی و ترومای اجتماعی، بیشتر آنها به جز مطالعات بوردیو- با رویکردهای روان‌شناختی و پزشکی انجام و بیشتر، به پیامدهای روحی و روانی آن وضعیت، توجه شده است. همچنین بسیاری از مطالعات، وضعیت‌های بعد از یک اتفاق و رخداد را ترومایی، غیرعادی و ناساز می‌دانند و احتمال وجود چنین وضعیت‌هایی، بدون حضور یک رخداد ملموس را تصور نکرده‌اند.

پژوهش حاضر، ضمن استفاده از نتایج ارزشمند چنین مطالعاتی، سعی دارد اول وضعیت ترومای اجتماعی، ناسازی‌ها و خلق و خوی متناسب با آن را از زبان کنشگران دارای تجربه زیسته در چنین وضعیت‌هایی، تفسیر و فهم کند؛ دوم، احتمال می‌دهد که گاهی بدون وجود یک رخداد ملموس، بر اثر تعاملات یا تغییرات اجتماعی درون یک فضا، میدان اجتماعی به وضعیت ترومایی و ناسازی تبدیل می‌شود و اوضاع را ترومایی می‌کند و سوم تأکید اصلی این پژوهش، فهم و تفسیر موضوع با رویکر جامعه‌شناختی و چیزی است که در مطالعات پیشین کم‌رنگ است.

پیشینه نظری

مخاطرات و تهدیدها همیشه همراه انسان بوده و خواهد بود. حافظه تاریخی انسان‌ها، مملو است از تجربیات تلخی از

هیرشبرگر^۱ (2018) در پژوهشی به نام ترومای جمعی و ساخت اجتماعی معنا، به این نتیجه رسید که ممکن است خاطره تروما برای بقای گروه مفید باشد، اما همچنین تهدید وجودی را افزایش می‌دهد که باعث جست‌وجوی معنا و ساختن یک خودجمعی بین نسلی می‌شود. اهلرز و همکاران^۲ (2023) در پژوهش خود به نام تروما، ترومای تاریخی، PTSD و خودکشی را در یک نمونه جامعه سرخپوستان آمریکایی نشان دادند و گفتند که ترومای تاریخی با خودکشی و اقدام به خودکشی در این جامعه سرخپوستان آمریکایی، ارتباط دارد.

اندک مطالعاتی نیز در زمینه رخدادهای بحرانی و ترومایی در ایران انجام شده است که در ادامه به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود. توکل و حسن‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی به نام «عوامل اجتماعی و فردی مؤثر بر ترومای ناشی از سوانح موتورسیکلت‌سواران در شهر تهران»، نشان دادند سیاست‌گذاری در جهت کاهش نابرابری‌های اجتماعی از هر نوع آن، تأثیر مؤثری بر کاهش ترومای ناشی از سوانح مرتبط با موتورسیکلت‌سواران خواهد داشت.

حیبی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با نام «پیش‌بینی افسردگی براساس تروماهای اوایل زندگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در کودکان ۷ تا ۱۱ سال»، به این نتیجه رسیدند که ترکیب خطی از متغیرهای پیش‌بین (تروماهای اوایل زندگی)، همبستگی چندگانه معنی‌داری با افسردگی دارد.

مؤمنی مفرد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با نام «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ترومای سازمانی»، به این نتیجه رسیدند که ضعف فرهنگ سازمانی، فقدان صداقت و عدالت سازمانی، توجه نکردن به مدیریت مشارکتی، ارتقایافتن و موفقیت شغلی، بی‌تفاوتی سازمانی، ناکارآمدی مدیران و سرپرستان، فقدان نظام شایسته‌سالاری و حمایت نکردن سازمانی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ترومای سازمانی‌اند.

¹ Hirschberger
² Ehlers et al.

عادت‌واره بر چگونگی کنش، احساس، تفکر و بودن ما تمرکز دارد و مشخص می‌کند که ما چگونه سرگذشت خود را با خود به دوش می‌کشیم، این سرگذشت را با شرایط فعلی خود تطبیق می‌دهیم و تصمیم می‌گیریم به گونه‌ای خاص و نه به هر شکل دیگر، کنش داشته باشیم. این روند پویا و سیال است و ما درگیر روند مدامی از ساختن سرگذشت خود هستیم، اما در وضعیتی نیستیم که همه چیز مطابق میل خودمان باشد. عادت‌واره «ذهنیت اجتماعی شده»^۶ و «متجسد اجتماعی»^۷ به بیان دیگر، ساختار ملکه ذهن و عینیت ذهنی شده است (گرنفل، ۱۳۹۸: ۱۰۷-۱۰۸). در واقع، عادت‌واره مجموعه اعمالی است که یک انسان در طول زندگی خود براساس برخورد و تماس با محیط‌های مختلف مانند خانواده، رسانه‌ها، نهاد آموزش و پرورش و گروه همسالان کسب و آنها را درونی کرده است (نوذری، ۱۳۹۴: ۳۷۹).

بوردیو میدان را به فوتبال تشبیه می‌کند و معتقد است زمین فوتبال، فضایی محصور است که بازی در آن، با قواعد مشخصی انجام می‌شود و بازیکنان در هنگام بازی، موقعیت‌های مشخصی دارند. آنچه بازیکنان انجام می‌دهند و محدوده‌ای که طی بازی در آن حرکت می‌کنند، به جایگاه اصلی آنها بستگی دارد. او می‌گوید آنچه در میدان بر سر آن بازی می‌شود، افزودن سرمایه است، سرمایه هم روند و هم محصول یک میدان است. او چهار نوع سرمایه را مطرح می‌کند: اقتصادی (پول و دارایی)، فرهنگی (مانند معلومات علمی، سلیقه، زیبایی، ترجیحات فرهنگی)، اجتماعی (مانند خویشاوندان، خانواده، میراث فرهنگی و مذهبی) و نمادین (چیزهایی که نماینده همه اشکال سرمایه به صورت تبادل شدنی در میدان‌های دیگرند؛ مانند مدارک تحصیلی و هنری). البته میدان اجتماعی برخلاف میدان فوتبال، صاف و مسطح نیست (گرنفل، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

خطرات و مشکلات ناخوشایندی مانند زلزله، طوفان، سیل، آتش‌سوزی، جنگ‌های خونین، نسل‌کشی‌ها، برده‌داری، بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، بیماری‌های همه‌گیر و غیره. اندیشمندان هر عصری، هرکدام با اصطلاح‌های خاص خود، چنین مسائلی را تبیین و ویژگی‌ها و پیامدهای آن وضعیت‌ها را روشن کرده‌اند؛ برای مثال دورکیم از آنومی، مارکس از بیگانگی، وبر از قفس آهنین، بک از مخاطره، گیدنز از ناامنی هستی‌شناختی سخن گفته‌اند و جامعه‌شناسان حوزه فاجعه نیز، مانند کلیلیان^۱ (۱۹۵۴)، فجایع را باعث برهم‌خوردن نظم اجتماعی می‌دانند و سی والاس^۲ (۱۹۵۶)، فاجعه را تهدید روند عادی زندگی به حساب می‌آورد (کمال‌الدینی، ۱۳۹۹: ۴۰-۴۶). داینس^۳ (۱۹۸۷) نیز به نقل از پیران، مصائب جمعی را باعث اختلال در زندگی اجتماعی عادی می‌داند (کمال‌الدینی، ۱۳۹۹: ۴۷).

در حوزه روان‌شناختی و پزشکی نیز، چنین وضعیت‌هایی با اصطلاح تروما، تبیین می‌شود. پژوهش حاضر، با عاریت گرفتن از اصطلاح پزشکی تروما و ترکیب آن با نظریه میدان، عادت‌واره و ناسازی بوردیو (۱۹۸۷)، واژه میدان ترومای اجتماعی را تولید می‌کند و در فهم چنین میدانی با استفاده از توصیفات کنشگران اجتماعی می‌کوشد.

بوردیو جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه‌ها هم پیوسته از میدان‌ها^۴ (ساختارها) و افراد دارای عادت‌واره‌های^۵ مرتبط با میدان می‌داند. به نظر او، فرد موجودی مختار و در عین حال مجبور است، در فضای اجتماعی و در قالب میدان اجتماعی به کسب عادت‌واره نائل می‌آید و تحت تأثیر شرایط ساختاری و ویژگی‌های فردی اعم از روانی، ذهنی و شخصیتی عمل می‌کند، همچنین عمل او برآیند ویژگی‌های محیطی و فردی اوست (فیروزجائیان و هاشمیان، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

^۱Killian^۲C Wallace^۳Dins^۴Field^۵Habitus^۶ Social Subjectivity^۷ Social embodied

نامانی هستی‌شناختی گیدنز به‌همراه فاجعه فرهنگ زیمل و بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، قواعد و قانونمندی‌های میدان اجتماعی را به هم می‌ریزند، سردرگمی عادت‌واره‌ها را به بار می‌آورند و با تبدیل آن میدان به میدان ترومای اجتماعی، به زندگی سراسر تزلزل باومنی منجر می‌شوند، به‌طوری که کنشگران اجتماعی درون آن، شاهد شکل‌گیری عادت‌واره‌های ناساز و ناخوشایند در ذهن خود می‌شوند و تفاسیر و توصیفاتشان، ناخرسندی به وجود آمده از ناسازی را نشان می‌دهد.

روش‌شناسی

بدیع و نبودن موضوع پژوهش حاضر و کمبود پیشینه و چارچوب نظری متناسب و استفاده از روشی که ناسازی‌های میدان و عادت‌واره‌های ترومای اجتماعی را روشن کند، ضرورتی بود که باعث استفاده از رویکرد کیفی به روش گراندد تئوری شد. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد، به‌طوری که بعد از بررسی و مطالعه درباره موضوع و بهره‌مندی از نظر استادان راهنما و مشاور و افراد متخصص، سؤال‌های مصاحبه، در قالب مصاحبه‌نامه نهایی تنظیم شد؛ سپس مصاحبه‌ها آغاز شد و تا حد اشباع نظری داده‌ها، ادامه یافت.

جامعه آماری این پژوهش، شهروندان ساکن شهر تبریز در سال ۱۴۰۲ هستند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند^۲ و با رعایت حداکثر تنوع شرکت‌کنندگان، از ۳۰ نفر از آنها - با رعایت قواعد اشباع نظری حداکثر تنوع - مصاحبه‌هایی انجام شد و جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات جمع‌آوری شده از شرکت‌کنندگان تکراری شد و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری‌شده قبلی اضافه نشد، یعنی به اشباع نظری رسید.

نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب نمونه‌های خاصی است که اطلاعات زیادی درباره موضوع مدنظر داشته باشند. در این

از میان انواع سرمایه‌های مطرح‌شده، تأکید بورديو بیشتر بر سرمایه فرهنگی است. او سرمایه فرهنگی را به سه دسته سرمایه فرهنگی عینی، نهادی‌شده و متجسد تقسیم می‌کند. سرمایه فرهنگی عینی به مواردی چون کتاب‌ها، نقاشی‌ها و ... اشاره دارد، سرمایه فرهنگی نهادی‌شده به مدارک تحصیلی یا مهارتی مربوط است و سرمایه فرهنگی متجسد، عادت‌واره فرد را می‌سازد و عملکرد خود را با عنوان ذائقه نشان می‌دهد. بورديو نشان می‌دهد که ذائقه ما واقعاً شخصی نیست، بلکه به صورت عمیق از طبقه اجتماعی متأثر می‌شود که در آن زندگی می‌کنیم (نوذری، ۱۳۹۴: ۳۸۰-۳۸۱ به نقل از گرنفل، ۱۳۹۸: ۳۳۶).

بورديو بعد از بحث میدان و عادت‌واره، ناسازی‌های میدان نیز را نیز بررسی می‌کند و نشان می‌دهد ناسازی، جابه‌جایی یا شکاف بین میدان و عادت‌واره است، به‌خصوص زمانی که میدان دچار یک بحران اصلی می‌شود و قانونمندی‌های آن، تغییر اساسی می‌کند. ناسازی زمانی اتفاق می‌افتد که عادت‌واره با زمینه‌ای همسو نباشد که در آن عمل می‌کند (Graham, 2020: 451). در چنین شرایطی، مقررات موجب کژکارکردی افراد می‌شود و تلاش‌هایی که اشخاص از خود ارائه می‌دهند، موجب می‌شود که آنها هرچه بیشتر در ناکامی و شکست غوطه‌ور شوند (فیروزجائیان و هاشمیان، ۱۳۹۷:

۱۱۵ به نقل از McDonoch and Polzer, 2012: 362)

بنابراین ناسازی تغییرات نسلی، تحول عادت‌واره، بحران اجتماعی و بازسازیایی میدان^۱، مفاهیم به هم پیوسته‌ای در مطالعه پدیده‌های اجتماعی و چگونگی تغییرات آنها در طول زمان نزد بورديو هستند (گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۰۵). چنین استنباط می‌شود که بورديو با کاربرد مفهوم ناسازی می‌خواهد از میدان ترومای اجتماعی سخن بگوید که نتیجه تغییر و شکاف بین میدان و عادت‌واره است (نوذری، ۱۳۹۴: ۳۸۲ به نقل از گرنفل، ۱۳۹۸: ۲۱۰).

درنهایت، پژوهش حاضر با استفاده از واژه ناسازی بورديو، قصد دارد نشان دهد چگونه مسائل و مشکلاتی همچون آنومی دورکیم، بیگانگی مارکس، مخاطرات بک،

² Purposive sampling

¹ Field restructuring

باورها و عقاید، اجتناب از آسیب‌رساندن و تبعیض، کسب اجازه از شرکت‌کنندگان برای ضبط صدایشان و درنهایت حضور در محل پیشنهادی شرکت‌کنندگان برای انجام مصاحبه، در اولویت قرار گرفت.

برای دستیابی به اعتبار مطالعه، معیارهای اعتبارپذیری^۱ و اعتمادپذیری در نظر گرفته شد، با مرور چندین باره متن مصاحبه‌ها و با تأکید بر انتخاب بستر مناسب، بررسی داده‌های حاصل از نتایج مصاحبه و تحقیقات انجام‌شده در حوزه موضوع مرتبط و استفاده از نظرهای مشارکت‌کنندگان و همچنین مشارکت و تعامل نزدیک و مستمر و درگیرکردن مشارکت‌کنندگان در امر تحلیل، مراجعه مجدد به آنان و نیز مشخص کردن هرچه واضح‌تر مراحل و چگونگی فرایندها، به‌منظور سهولت در بررسی و درک آن به‌وسیله دیگران، استفاده از نظرها و راهنمایی‌های استادان راهنما و استادان متخصص دیگر، این مهم بررسی شد تا از اعتبار و صحت مطالعه، هرچه بیشتر اطمینان حاصل شود.

روش محقق براساس دانش و قضاوت صحیح و اتخاذ استراتژی مناسب، مواردی را برمی‌گزیند که درمجموع معرف جمعیت مدنظر باشد. معمولاً در نمونه‌گیری قضاوتی، انتخاب سنجیده واحدها به طریقی انجام می‌شود که هر یک معرف بخشی از جمعیت باشد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۲۵۲). نوع نمونه‌گیری هدفمند در این پژوهش، نمونه‌گیری با حداکثر تنوع است، به‌منظور رسیدن به این هدف، معیارهای ورود عبارت‌اند از: تنوع در جنسیت، سن، منطقه زندگی (مرفه‌نشین، حاشیه‌نشین و متوسط‌نشین)، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل و درآمد. روش اجرا این‌گونه بود که ابتدا از مناطق مختلف شهر تبریز، افرادی به‌عنوان رابط انتخاب و توجیه شدند، سپس با راهنمایی آن افراد، نمونه‌هایی انتخاب شدند که برای هدف پژوهش - حداکثر تنوع - مناسب به نظر می‌رسیدند و با هماهنگی قبلی در محل پیشنهادی خود مصاحبه‌شوندگان - البته با دقت و بررسی تمام جوانب محیط پیشنهادی به‌منظور جلوگیری از آثار سوء احتمالی در پاسخ‌ها- مصاحبه‌ها انجام و ضبط شد. با ادامه روند کار، با وجود ظهور نشانه‌های اشباع نظری در مصاحبه بیست و ششم و بیست و هفتم، برای اطمینان، مصاحبه‌ها تا نفر سی‌ام ادامه یافت.

به‌منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، تمامی مصاحبه‌ها ضبط شد؛ سپس هر مصاحبه با دقت، واژه به واژه به متن تبدیل شد، از مصاحبه‌های تایپ‌شده، مفاهیمی که به نظر مهم می‌آمد، استخراج و یادداشت شد. درواقع این مرحله، نخستین مرحله از تحلیل داده‌ها در گراندد تئوری است که به آن کدگذاری باز می‌گویند. در ادامه با گروه‌بندی و ادغام مفاهیمی که همگرایی معنایی داشتند، مقولات و کدهای محوری، استخراج شد و درنهایت مقولات و کدهای محوری که در خلال مصاحبه‌ها به‌عنوان مصادیق و عوامل شناخته شدند، در زیرمجموعه کدهای گزینشی و اصلی قرار گرفتند.

برای رعایت ملاحظات اخلاقی، اطلاعات به‌طور کامل و شفاف به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد، رازداری، حفظ حریم خصوصی، احترام به کرامت انسانی، احترام به تنوع

¹ Credibility

جدول ۱- اطلاعات توصیفی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

Table 1- Descriptive information of participants in the interview

ردیف	جنس	سن	وضعیت تأهل	مدرک تحصیلی	شغل	میزان درآمد ماهیانه
۱	زن	۳۷	متاهل	دیپلم	آزاد	۸ میلیون تومان
۲	مرد	۴۴	متاهل	دیلم	راننده	۸ میلیون تومان
۳	زن	۴۰	متاهل	لیسانس	خانه‌دار	فاقد درآمد
۴	مرد	۲۰	مجرد	دانشجو	دانشجو	فاقد درآمد
۵	مرد	۵۵	متاهل	ابتدایی	راننده تاکسی	۸ میلیون تومان
۶	مرد	۶۹	متاهل	لیسانس	راننده	۱۱ میلیون تومان
۷	مرد	۵۸	متاهل	سوم راهنمایی	کارگر	۹ میلیون تومان
۸	زن	۴۳	مجرد	فوق لیسانس	دانشجو	فاقد درآمد
۹	مرد	۳۳	متاهل	ابتدایی	نگهبان	۸ میلیون تومان
۱۰	زن	۴۵	متاهل	دکتری	خانه‌دار	-
۱۱	مرد	۶۰	متاهل	فوق لیسانس	بازنشسته	۲۰ میلیون تومان
۱۲	زن	۳۱	متاهل	دوم دبیرستان	خانه‌دار	فاقد درآمد
۱۳	مرد	۳۵	متاهل	دیپلم	آزاد	۵ میلیون تومان
۱۴	زن	۴۰	متاهل	فوق لیسانس	خانه‌دار	یارانه
۱۵	مرد	۴۴	متاهل	لیسانس	کارمند	۱۰ میلیون تومان
۱۶	زن	۲۰	مجرد	لیسانس	دانشجو	فاقد درآمد
۱۷	مرد	۶۰	متاهل	سوم راهنمایی	آزاد	۷ میلیون تومان
۱۸	زن	۳۵	متاهل	دیپلم	خانه‌دار	فاقد درآمد
۱۹	مرد	۳۳	متاهل	لیسانس	آزاد	۵ میلیون تومان
۲۰	مرد	۲۴	مجرد	لیسانس	آزاد	۶ میلیون تومان
۲۱	مرد	۴۰	مجرد	فوق لیسانس	آهنگساز	متغیر
۲۲	مرد	۴۷	متاهل	فوق لیسانس	دبیر	۱۲ میلیون تومان
۲۳	مرد	۴۰	متاهل	فوق لیسانس	کارمند	۱۴ میلیون تومان
۲۴	زن	۴۱	متاهل	دانشجوی دکتری	خانه‌دار	فاقد درآمد
۲۵	مرد	۴۹	متاهل	دکتری	هیئت علمی	۲۲ میلیون تومان
۲۶	زن	۳۱	مجرد	لیسانس	خانه‌دار	فاقد درآمد
۲۷	مرد	۵۳	متاهل	دیپلم	آزاد	۱۰ میلیون تومان
۲۸	مرد	۲۷	مجرد	فوق لیسانس	سرباز	متغیر
۲۹	زن	۳۵	متاهل	فوق لیسانس	کارمند	۱۰ میلیون تومان
۳۰	زن	۳۸	متاهل	فوق لیسانس	دبیر	۱۲ میلیون تومان

یافته‌ها

تفسیر توصیفات کنشگران اجتماعی از میدان اجتماعی خود، نشان داد میدان اجتماعی آنها، ترومایی است و با ناسازی‌هایی مثل نبود امکان ارتقای سرمایه اقتصادی، بی‌اعتباری سرمایه فرهنگی و اختلال در سرمایه اجتماعی، باعث بروز عادت‌واره‌های ترومایی مثل احساس بی‌ارزشی و بی‌عملیتی، روان‌های پریشان و رنجور و ناامیدی و ترس از آینده در ذهن کنشگران شده است که شرح و تفصیل این میدان اجتماعی ترومایی، در ادامه می‌آید.

ناسازی‌های میدان ترومای اجتماعی

نبود امکان ارتقای سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی، یکی از سرمایه‌های مهم مدنظر بوردیو است که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری جایگاه هر فرد در میدان اجتماعی دارد. میدان اجتماعی در نظر بوردیو، میدان مبارزه در جهت افزایش این سرمایه مهم، به‌منظور دستیابی به جایگاه‌های بالاست؛ اما زمانی که ساختار اقتصادی با بحران اساسی مواجه می‌شود، کسب سرمایه اقتصادی مشکل پیدا می‌کند و کنشگران اجتماعی، به‌جای رسیدن به سرمایه اقتصادی، سرمایه‌های اقتصادی پیشین خود را نیز از دست می‌دهند و با سیر نزولی مواجه می‌شوند. در این صورت، اضطراب از دست دادن جایگاه قبلی و احساس دست‌نیافتن به سرمایه اقتصادی، میدان ترومایی به بار می‌آورد که کنشگران اجتماعی به شکل ذیل به ویژگی‌های آن اشاره کردند.

زن ۴۳ ساله: «اوضاع اقتصادی خوبی نداریم، روز به روز پس‌رفت داریم، وضعیت واقعاً سخته، تورم کمر همه را شکونده».

زن ۳۱ ساله: «بیکاری، تورم، بیماری اقتصادی، عدم امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تولیدی، بی‌ثباتی را دامن زده است که هر روز اوضاع بدتر می‌شود».

بی‌اعتباری سرمایه فرهنگی

بوردیو سرمایه فرهنگی را معلومات علمی، سلیقه، زیبایی و ترجیحات فرهنگی می‌داند (گرنفل، ۱۳۹۸: ۱۲۹). سرمایه فرهنگی

در کنار سرمایه اقتصادی، تعیین‌کننده‌های اصلی جایگاه فرد در میدان اجتماعی‌اند. وقتی راه‌های ارتقای سرمایه اقتصادی بسته باشد، مسلماً دستیابی به سرمایه فرهنگی نیز مختل می‌شود و از طرفی، گاهی میدان اجتماعی چنان دچار وضعیت ناسازی و ترومایی می‌شود که نه‌تنها کسب سرمایه فرهنگی، سخت و دشوار می‌شود، داشتن سرمایه فرهنگی، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد و تمام معادلات میدان بوردیویی را به هم می‌ریزد؛ این همان فضای ترومایی است که کنشگران اجتماعی نیز به زیبایی آن را توصیف کردند.

مرد ۴۰ ساله: «ارزش‌ها به ضد ارزش تبدیل شده‌اند؛ مثلاً یک زمانی درس‌خواندن و تحصیلات بالا، ارزش مهمی بود، الآن کسی که درس می‌خواند و تحصیلاتش را بالا می‌برد، بهش می‌گویند مگر بیکاری درس می‌خوانی، به چه درد خواهد خورد، این خود نشان از اوضاع بد فرهنگی است». زن ۴۱ ساله: «وضعیت فرهنگی اسفناک است، علاوه بر گران‌بودن کالاهای فرهنگی و انجام کارهای فرهنگی، دیگر فعالیت‌های فرهنگی، هیچ ارزشی ندارند، کتاب‌خواندن، فیلم‌دیدن، سینما و تئاتر رفتن، فعالیت‌های فرهنگی انجام دادن، مورد تمسخر قرار می‌گیرند».

اختلال در سرمایه اجتماعی

از نظر بوردیو (1991)، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده دارند. پاتنام^۱ (2000)، جامعه‌شناس ایتالیایی، نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند. از نظر او، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منابعی‌اند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۴۸).

آنچه از واژه سرمایه اجتماعی استنباط می‌شود، این است که سرمایه اجتماعی ارتباطات اجتماعی سالم، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی را در بر می‌گیرد. اگر در میدان

¹ Putnam

زن ۴۱ ساله: «ما در درون انواع مشکلات گیر افتاده‌ایم، توان تغییر وضع موجود را نداریم، تمام تلاشمان حفظ داشته‌هایمان است، خیلی دلم می‌خواد خودمو، زندگی‌مو تغییر دهم، اما می‌بینم که امکانش نیست، نمی‌توانم». زن ۴۰ ساله: «وضعیت طوری پیش می‌رود که هیچ‌کس توان تغییر این وضعیت را ندارد و هیچ انسانی درون این حصار، ارزشی ندارد». مرد ۴۴ ساله: «من همیشه آرزو کرده‌ام وضعیت فعلی را تغییر دهم، اما بعداً متوجه شده‌ام که منم مثل بقیه مردم، عددی نیستم که بتوانم کاری بکنم».

روان‌های پریشان

هر نامتعادلی و ناپایداری فردی، پریشانی به بار می‌آورد و جامعه نیز چنین است. وقتی میدان اجتماعی دچار ناسازی و تروما می‌شود، تمام بخش‌های مهم آن ناپایدار و این ناپایداری به بروز پیامدهای ناخوشایندی منجر می‌شود. شرکت‌کنندگان در پژوهش نمایان کردند که میدان اجتماعی‌شان ترومایی است و در توصیفاتشان نشان دادند که روانشان رنجور است. این میدان ترومایی، آنها را به مردمانی ناخوش، عصبی و مضطرب تبدیل کرده است که دیگر آرامش ندارند. آنها نیز همچون منجمی و نعیمی (۱۴۰۰) در پژوهش خود، از بروز صفات تاریک در تروماهای دوران کودکی سخن گفتند و صفات سیاه روح و روان خود را بیان کردند.

مصاحبه مرد ۶۰ ساله: «حال خوشی نداریم، همه مثل یک انسان مریض و بی‌حال، ناتوانیم». مرد ۳۳ ساله: «جامعه مریض روحی است، وضعیت اصلاً خوب نیست، تأسف‌بار است. همه پرخاشگر و عصبی‌اند». زن ۳۱ ساله: «وقتی روحیه مردم را نگاه می‌کنی، انگار همه در ذهن خود درگیرند، انگار دائماً در فکر چیزی هستند، تمرکز ندارند، واقعیتش، همه مرده‌اند، فقط ادای زنده‌ها را درمی‌آورند».

یأس و ناامیدی، بی‌آیندگی و ترس از آینده

هاکسل و راندال^۱ (2009) در مطالعه خود بر بومیان کانادایی، در بحث پیامدهای ترومای اجتماعی، به پیامدهای فردی روان‌شناختی مثل احساس غم، ناامیدی، بی‌نظمی در تنظیم

اجتماعی، روابط اجتماعی و در نتیجه اعتماد، مشارکت و تعهد اجتماعی، از اولویت اساسی خارج و مختل شود، آن میدان، ناسازی و ترومایی می‌شود و در نتیجه، عادت‌واره‌های کنشگران درون آن، ناهم‌سویی با میدان ترومایی خواهند داشت و اختلال در زندگی پیش خواهد آمد؛ این وضعیتی است که کنشگران آن را به‌زیبایی توصیف و تفسیر کردند.

مرد ۴۴ ساله: «آنقدر درگیر مشکلات، از جمله تأمین معاش هستیم که من نمی‌توانم با خانواده‌ام، آشنايانم، رابطه برقرار کنم. از ۴/۵ صبح کار می‌کنم تا ۹ شب، دیگه نایی برام نمی‌ماند که شب‌نشینی و میهمانی برم». زن ۴۰ ساله: «الآن مثل بعضی خانواده‌ها، بین مردم طلاق عاطفی صورت گرفته است، بی‌اعتمادی خیلی افزایش یافته است و این به جامعه ضربه می‌زند». مرد ۵۵ ساله: «شرایط طوری شده که الآن در خیابان از تشنگی بمیری، کسی یک لیوان آب برایت نمی‌دهد، واقعاً نسبت به هم بی‌تفاوت شده‌ایم».

عادت‌واره‌های ترومایی

احساس بی‌عاملیتی

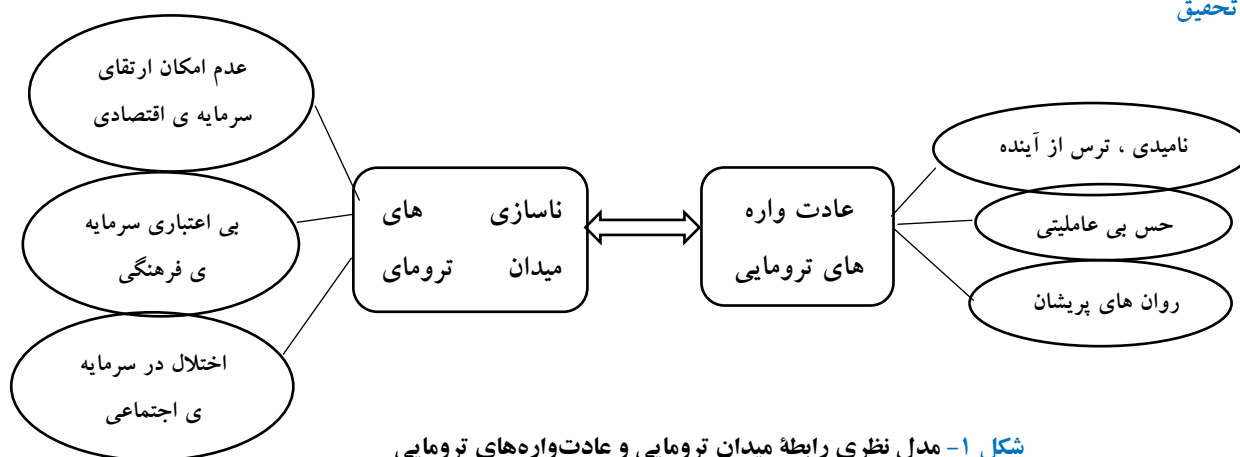
مارکس (1840) معتقد بود وجه تمایز انسان از دیگر حیوانات، توانایی در شکل‌دادن به جهان خود از طریق فعالیت‌های خلاقانه است (جلالی‌پور و محمدی، ۱۳۹۱: ۵۴). به نظر او، تحت حکومت سرمایه‌داری، سرانجام مردم هرچه بیشتر از آنچه در آن توانایی دارند، دورتر می‌شوند، عاملیت خود را از دست می‌دهند و از خود بیگانه می‌شوند (ریتزر، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۰). ماکس وبر (1987) نیز، با ترسیم تصویری تیره و تار از رشد مدرنیته، دیوانی‌شدن را تهدیدی علیه فردیت، آزادی و دموکراسی می‌داند (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۸). همچنین گیدنز (1990)، بی‌ثباتی اجتماعی از طریق به خطر انداختن احساس امنیت وجودی را سبب برانگیختن احساس نگرانی و اضطراب و تزلزل موجودیت مستقل فرد می‌داند (رستمی و غلامی حسن‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۹). توصیفات کنشگران اجتماعی، پیامد چنین وضعیت میدان ترومایی اجتماعی را نشان می‌دهد که عاملیت و آزادی‌شان از دست می‌رود و از سقوط عاملیت خود گله می‌کنند.

¹ Haskell and Randall

زن ۴۱ ساله: «من خودم به‌عنوان فردی که چندین سال درس خوانده و کار کرده‌ام، هیچ‌امیدی به آینده ندارم و واقعاً ناامیدم و با خیلی از هم‌ترازهای خودم صحبت می‌کنم، همه این‌طوری‌اند. ما آدم‌های معمولی هستیم و می‌خواهیم زندگی کنیم، اما همه ناامیدیم». مرد ۳۳ ساله: «من آینده‌ای نمی‌بینم، کاملاً ناامیدم، کشور جنگ‌زده هم‌امیدی به آینده دارد، اما وضعیت ما طوری است که از آن جنگ‌زدگی هم بدتر است، چون امیدی نیست». زن ۳۷ ساله: «ترس از آینده فرزندانم، استرس و فشار روحی سنگینی برای من وارد می‌کند و مضطرب و پریشانم می‌کند».

حالات عاطفی، تغییر در ادراک و از دست دادن معنا و در پیامدهای اجتماعی به تجارب مدام از دست دادن و ناامیدی، بی‌توجهی و یا رهاشدن و تبعیض و کم‌ارزشی اجتماعی اشاره می‌کنند. انسان با ترسیم آینده و امیدواری به آن، معنای زندگی خود را می‌سازد. اگر وضعیتی پیش آید که آینده مبهم و تاریک شود، امیدواری به یأس و اضطراب بدل و انسان امیدوار به آینده، بی‌آینده می‌شود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر با توصیفات و تفاسیر خود از پیامد ناامیدی و ترس از آینده میدان اجتماعی ترومایی خود سخن گفتند و آن را رنج‌آور توصیف کردند.

مدل نظری تحقیق



شکل ۱- مدل نظری رابطه میدان ترومایی و عادت‌واره‌های ترومایی

Fig 1- Theoretical model of the relationship between trauma field and trauma habits

بحث و نتیجه

چگونه آنها سرگذشت خود را با خود به دوش می‌کشند، این سرگذشت را با شرایط فعلی خود تطبیق می‌دهند و تصمیم می‌گیرند به‌گونه‌ای خاص و نه به هر شکل دیگر، کنش داشته باشند (گرنفل، ۱۳۹۸: ۱۰۷-۱۰۸).

بوردیو (۱۹۹۲) معتقد است در شرایط ثبات فردی و اجتماعی، تغییر به آرامی در مسیرهای پیش‌بینی‌شدنی روی می‌دهد و عادت‌واره و میدان در سازگاری با هم قرار دارند. عادت‌واره مدام در واکنش به تجربیات جدید تغییر می‌کند، اما موقعیت‌هایی هستند که میدان، دچار تغییرات اساسی می‌شود، در این حالت و زمانی که تغییرات مشخص و تعیین‌یافته

همان‌طور که مطرح شد، بوردیو (۱۹۹۸، ۱۹۹۰) فضای اجتماعی را سازنده انسان‌ها می‌داند. به عبارت دیگر همه انسان‌ها را فضایی در بر گرفته است که آنها را می‌سازد. برای بوردیو، انسان خارج از فضای اجتماعی تصورشدنی نیست. او این فضا را میدان نامید. به باور او در میدان اجتماعی، انواع سرمایه مانند سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادین وجود دارد که کنشگران و عاملان اجتماعی برای دستیابی به آنها، در تلاش و در تقابل با هم‌اند و در پی این رقابت و تعامل، عادت‌واره‌هایی به دست می‌آورند که مشخص می‌کند

بحران‌های شدید اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی روبه‌رو است. در واقع آن‌قدر مؤثر و کارساز است که با عاریت از علم پزشکی، تن اجتماعی ایران را زخمی کرده و آن را در وضعیت ترومایی قرار داده است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف روشن کردن ویژگی‌های این میدان ترومایی و تأثیرات آن بر عادت‌واره‌های عاملان میدان اجتماعی، در پی پاسخ به این سؤال مهم است: درک و فهم کنشگران اجتماعی از این میدان ترومای اجتماعی و عادت‌واره‌های آن چگونه است؟ نتایج تفسیر توصیفات کنشگران، نشان داد تغییرات ناگهانی و مستمر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نابسامانی، آشفتگی و ناسازی‌هایی را به وجود آورده و درست مثل یک وضعیت ترومایی، ذهنیت و عادت‌واره‌های ذهنی کنشگران اجتماعی را ناسازگار کرده است که شرح نتایج به این شکل است.

وقتی درباره ویژگی‌های میدان ترومای اجتماعی سؤال شد، کنشگران توصیف کردند که نابسامانی اقتصادی، بار سنگین معیشت، بی‌اخلاقی اقتصادی و اقتصاد متورم و بی‌ثبات، فشار تأمین نیازهای اولیه زندگی، امکان دستیابی به سرمایه اقتصادی را غیرممکن و سخت‌تر از آن، حفظ سرمایه‌های اقتصادی کسب‌شده از قبل را نیز، با چالش مواجه کرده است. نتیجه‌ای که یادآور نظریه مارکس است بیان می‌کند تزلزل زیربنای اقتصادی، عامل فروپاشی نظام اجتماعی (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۰) و همچون نتیجه مطالعات کوشنر (2018) است که بحران‌های اقتصادی و بیکاری‌اش را دلیل افزایش انواع آسیب‌ها مثل خودکشی‌ها دانست. همچنین شرایط طبقات پایین‌تر را به یاد می‌آورد که بورديو آن را در سیه‌روزی جهان توصیف و تبیین و تأیید کرد و مانند توصیه پژوهش توکل و حسن زاده (۱۳۹۲)، سیاست‌گذاری‌هایی عاجل در جهت کاهش این وضعیت را ضروری دانست. کنشگران از وجود وضعیت آشفته فرهنگی سخن گفتند که به قول زتومگا^۳ (2000)، وجود یک رویداد بالقوه ترومازا، یعنی بی‌ثباتی فرهنگی را رقم زده است (Pedović & Hedrih, 2019: 27). بورديو کسب سرمایه فرهنگی را یکی از عوامل

نیستند، ناسازی ظهور می‌کند. ناسازی وضعیتی است که در آن میان میدان و عادت‌واره شکاف ایجاد می‌شود و میدان اجتماعی، وضعیت نابسامانی به خود می‌گیرد.

مرور متون نظری نشان می‌دهد علوم مختلف برحسب موضوع خود، به چنین ناسازی‌هایی توجه و نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ برای مثال علم پزشکی در سطح فردی، هر نوع تغییر را تروما می‌نامد که به‌نوعی زخم در فرد منجر می‌شود و روان‌شناسان نیز، به تغییرات رفتاری ناشی از وضعیت‌های ترومایی و نارسایی‌های روانی توجه می‌کنند. رویکردهای جامعه‌شناختی نیز هرکدام با اصطلاح‌های خاصی، چنین وضعیت‌های ناساز جامعه را بررسی کرده‌اند و از قضا جامعه‌شناسی را نشئت گرفته از تغییرات اجتماعی بعد از صنعتی شدن می‌دانند.

آنها نیز مثل دیگر حوزه‌های علمی، به مسائل و مشکلات رنج‌آور پیرامون خود، توجه و دلایل و پیامدهای آن را تحلیل کرده‌اند؛ از جمله دورکیم (1893) که از نامتعادلی جامعه و تأثیرات شتابان تغییرات، با آنومی یاد کرد، وبر (1910) از سلطه دیوان‌سالاری مدرن به نام قفس آهنین یاد برد، مارکس (1840) از بیگانگی انسان در شرایط بد سرمایه‌داری ناراضی بود، زیمل (1950) از فاجعه فرهنگ، بلاو (1956) از نابودی ارزش‌های دینی و اجتماعی، گیدنز (1990) از ناامنی هستی‌شناختی و بودریار^۱ (1981) از سلطه دروغ رسانه‌ای نگران بودند، هابرماس (1984) به‌درستی از سلطه نظام اجتماعی بر زیست جهان، فوکو (1966) از شیوع قدرت در تار و پود جامعه و مرگ انسانیت و درنهایت، بک (1980) از جامعه پرمخاطره سخن گفتند که زندگی در آن به قول باومن^۲ (1991) سراسر در تزلزل است.

همچنان‌که توضیح داده شد، طبق دیدگاه‌های صاحب‌نظران اجتماعی، امروزه جامعه ایران -میدان اجتماعی ایرانی- سرشار از ناسازی‌های بادوام است - بورديو ناسازی‌ها را موقتی می‌داند، البته در صورتی نظرش درست است که به‌صورت تاریخی به آن بنگریم- و این میدان با

¹ Baudrillard

² Bauman

³ Sztompka

اصلي سرمايه اجتماعی اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۵). اما وقتی اوضاع به هم می‌ریزد و وضعیت ترومایی می‌شود، سرمايه اجتماعی دچار آسیب می‌شود، اعتماد اجتماعی می‌میرد، نشاط از زندگی رخت برمی‌بندد و مشارکت اجتماعی تعطیل می‌شود. کنشگران این تصویر دردمند را به زیبایی نشان دادند.

وقتی از ناسازی‌های ذهنی و عادت‌واره‌های چنین میدانی سؤال شد، کنشگران این میدان ترومایی، ناسازی‌های ذهنی خود را توصیف کردند، آنها از روان‌های رنجور و احساس ناتوانی و بی‌عاملیتی خود و ترس از آینده‌شان گفتند که ذهن آنها را اشغال کرده و به عادت‌واره‌های روزمره‌شان تبدیل شده است. کنشگران با توصیفات روح و روان خود، درواقع نتیجه‌گیری هاكسل و راندال (2009) را تأیید کردند که براساس آن، از دست دادن معنا در ترومای پیچیده، به از دست دادن هدف یا احساس ناامیدی منجر می‌شود و مستلزم از دست دادن سیستم‌های اعتقادی خود یا از دست دادن این باور است که زندگی فردی او، معنا یا هدفی دارد.

آنها احساس بی‌عاملیتی خود را توصیف کردند و گفتند که دائم در ذهنشان می‌چرخد و آزارشان می‌دهد. همچنین نظر ماکس وبر را یادآور شدند که معتقد بود مدرنیزاسیون پروبال زیادی به دیوانی‌شدن داد که این خود تهدیدی علیه فردیت، آزادی و دموکراسی است. انسان‌ها با وابسته‌شدن به دیوانسالاری، می‌پذیرند که سرنوشتشان به دست آن تعیین شده است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۸). همچنین نظر گیدنز را بیان می‌کنند که می‌گوید بی‌ثباتی اجتماعی از طریق به خطر انداختن احساس امنیت وجودی، سبب برانگیختن احساس نگرانی و اضطراب می‌شود و فرد موجودیت مستقل خود را در تزلزل می‌یابد (رستمی و غلامی حسن‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۹). آنها نتیجه‌گیری منجمی و نعیمی (۱۴۰۰) را در پژوهششان تأیید کردند که نشان داد در تروماهای دوران کودکی، صفات تاریک و سیاه، روح و روان فرد را آزار می‌داد؛ چیزی که هاكسل و راندال (2009) نیز علاوه بر اشاره به پیامدهای

ارتقای جایگاه در میدان اجتماعی ناامید، اما کنشگران اجتماعی مشارکت‌کننده در این پژوهش نشان دادند که در میدان ترومای اجتماعی، سرمايه فرهنگی ارزش و اعتبار خود را از دست داده است و دیگر موجب ارتقای جایگاه آنها در میدان اجتماعی نمی‌شود. آنها با توصیفات خود نشان دادند که اقتصاد نابسامان، در کنار پرهزینه‌بودن فعالیت‌های فرهنگی، وضعیت آشفته‌ای به وجود آورده و کنشگران را در سرگردانی قرار داده است. کنشگران این میدان ترومایی، بین آرزوی دستیابی به سرمايه‌های فرهنگی، به امید ارتقای جایگاه خود و از طرفی، فهم بی‌ارزشی سرمايه‌های فرهنگی در این میدان، گیر کرده‌اند و از تعارض روحی و روانی رنج می‌برند؛ درست شبیه وضعیت خانواده‌الجزایری مهاجرت‌کرده به فرانسه و استادان جوان دانشگاه‌های فرانسه که با چالش‌های اساسی فرهنگی روبه‌رو شده بودند و بورديو در سیه‌روزی جهان و انسان دانشگاهی به‌خوبی به آنها اشاره کرده است.

تفسیر توصیفات کنشگران اجتماعی، نمایان کرد که سرمايه اجتماعی در میدان اجتماعی آنها، خاموش شده است، بحران اقتصادی و فرهنگی، آشنایان را ناآشنا کرده و روابط اجتماعی در پستوها مانده است؛ این مسئله یادآور هانا آرنست^۱ است که گفت: «عصر مدرن با جهان بیگانگی فزاینده‌اش به وضعی انجامیده که در آن انسان هر جا که می‌رود، تنها با خودش روبه‌رو می‌شود» (بی‌نا، ۱۳۹۸). در این میدان، کنشگران به قول زیمل، غریبه‌های اجتماعی‌اند که انگار هیچ‌کسی را ندارند. به نظر ساندرفر و لاومن^۲ (2000)، سرمايه اجتماعی باعث انسجام اجتماعی می‌شود (فلاح حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۹۷). سرمايه اجتماعی عبارت است از: «مجموع بالفعل و بالقوه که به داشتن شبکه‌ی پایداری از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شده ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرار گرفته و به شناخته شده بودن، متصل و مربوط است» (پیران، ۱۳۹۲: ۵۹). از دیدگاه لینا و وانبورن^۳ (1999)، وابستگی و اعتماد دو بعد

¹ Hannah Arendt

² Sanderfer & Laumann

³ Lina van Born

ابراهیمی، ص.، ناصری، ا.؛ علیزاده، ر. و غلامی، ب. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی مدیران در سازمان‌های ایران اسلامی (پژوهشی آمیخته در آموزش و پرورش). *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۰ (۲)، ۹۱-۱۰۹.

10.22059/JSCM.2022.346543.2324.

ازکیا، م. و دربان آستانه، ع. (۱۳۸۲). *روش‌های کاربردی تحقیق*، تهران: انتشارات کیهان.

بی‌نا، س. (۱۳۹۸). آزادی فراتر از ایدئولوژی، سایت فرهنگ امروز.

<https://www.farhangemrooz.com/news/61161/%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%DB%8C%D8%AF%D8%A6%D9%88%D9%84%D9%88%DA%98%DB%8C>

ایراندوست، ف.؛ احمدی، م. و صنعتی، ح. (۱۳۹۷).

نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: اندیشه احسان.

پیران، پ. (۱۳۹۲). *مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*.

تهران: نشر علم.

پیری، س. (۱۳۹۷). *مهم‌ترین مسئله امروز جامعه ایران از*

منظر صاحب نظران و استادان دانشگاه. برگرفته از سایت

<https://www.tabnak.ir/fa/news/829959>

توکل، م. و حسن‌زاده، ع. (۱۳۹۲). *فهم جامعه‌شناختی ترومای*

شهری، ترومای حاصل از تصادفات موتورسیکلت سواران

در تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۰ (۲)، ۲۰۹-۲۳۳.

10.22059/JSR.2014.56279

جلائی‌پور، ح. و محمدی، ج. (۱۳۹۱). *نظریه‌های متأخر*

جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.

حبیبی، د.؛ امیری مجلد، م. و کریمی، ع. (۱۳۹۹). *پیش‌بینی*

افسردگی براساس تروماهای اوایل زندگی و طرح‌واره‌های

ناسازگار اولیه در کودکان ۷ تا ۱۲ سال. *مجله*

پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و

آموزش و پرورش، ۳ (۲۴)، ۲۳-۱۲.

حسینی قمی، م. (۱۳۹۵). *بررسی تغییرات ساخت اجتماعی*

(ساخت رابطه‌ای): مطالعه جامعه‌شناختی پیوندهای

شبکه‌ای بازار تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷ (۴)،

10.22108/JAS.2017.21164.۱۷۰-۱۵۳

رزاقی، ح.؛ محسنی‌تبریزی، ع. و غفاری، غ. (۱۳۹۸). *یک*

روان‌شناختی تروما مانند احساس غم و ناامیدی، افسردگی، اختلال در دل‌بستگی‌ها، به پیامدهای اجتماعی تروما، مثل تجارب مدام از دست دادن و ناامیدی، بی‌توجهی و رهاشدن، فقر و ناکافی بودن منافع و تبعیض و بی‌ثباتی و... نیز اشاره کردند. چیزی که این روزها صحبت از افزایش انواع آسیب‌های اجتماعی - طبق نتایج آینده پژوهی ایران، سال ۱۳۹۶، از صد آسیب مهم جامعه ایران، پنجاه و دو آسیب، آسیب اجتماعی است - بی‌توجهی به مردم و ناتوانی مردم ایران در تغییر وضعیت نابسامان در همه محافل علمی و عمومی، صحبت می‌شود.

در نهایت آنچه از نتیجه یافته‌های این پژوهش برمی‌آید، این است که کنشگران در یک میدان ناسازی و ترومای اجتماعی قرار گرفته‌اند و در آن، حوزه اقتصاد، فرهنگ و اجتماع دچار بحران اساسی است، طوری که دستیابی به سرمایه‌های اقتصادی تقریباً ناممکن شده و سرمایه‌های فرهنگی نیز ارزش تعیین‌کنندگی خود را در ارتقای جایگاه افراد از دست داده است. این وضعیت به قهر انسان‌ها از هم منجر شده است، روابط اجتماعی‌شان را محدود و کنشگران را از هم جدا و غریبه کرده است و در نتیجه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی‌شان، از بین رفته است. بنابراین زندگی نه چندان موقت در این میدان ترومایی - برخلاف نظر بوردیو (1987) که ناسازی‌ها را موقتی می‌داند، البته اگر به‌طور تاریخی به آن بنگریم، درست است - عادت‌واره‌های ترومایی متناسب با میدان ترومایی مثل ناامیدی، حس بی‌عملیتی و روان‌های رنجور و پریشان را به وجود آورده و هر دو - میدان ترومایی و عادت‌واره‌های ترومایی - در یک رابطه دیالکتیک، به بدتر شدن وضعیت میدان ناسازی و ترومای اجتماعی منجر و به قول فوکو (1966)، باعث مرگ انسان و انسانیت شده است.

تقدیر و تشکر

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی و به ما کمک کردند، تقدیر و تشکر می‌کنیم.

منابع فارسی



استفاده از رویکرد دلفی فازی. پژوهش‌نامه مدیریت
 تحویل، ۱۲ (۲۳)، ۲۷۲-۲۵۲.
<https://doi.org/10.22067/pmt.v12i1.75971>
 نجاتی، م، ح. (۱۳۹۶). پنجاه و دو چالش اجتماعی که ذهن
 ایران را درگیر کرده است. برگرفته از سایت
<https://www.khabaronline.ir/news/654454>
 نوذری، ح. (۱۳۹۴). تحلیل تعارضات همسایگی و برخی
 پیامدهای آن در شهر تهران. بررسی مسائل اجتماعی
 ایران، ۶ (۲)، ۳۷۳-۳۹۰.

References

- Abbaszadeh, M., Alizadeh Aghdam, M.B., & Eslami Bonab, S.R. (2012) The relationship between social capital and social anomia. *Social Studies and Research*, 1(1), 145-172 [In Persian].
- Alexandre, J., Eyerman, R., Giesen, B., Smelser, N., & Sztompka, P. (2004). *Cultural trauma and collective identity*. University of California Press.
- Azkiya, M., & Darban Astaneh, A. (1382) *Applied research methods*. Tehran: Kayhan Publishing House [In Persian].
- Brehm, A., & Langer, P. (2020). *Social trauma: A socio-psychological perspective*. In: *Social trauma - an interdisciplinary textbook*, Springer International Publishing.
- Ebrahimi, S., Naseri Amin, A., Alizadeh R., & Gholami, B. (2023). Identifying factors affecting the social capital of managers in Iranian-Islamic organizations (mixed research in education). *Social Capital Management*, 10(2), 91-109 [In Persian].
- Ehlers, C.L., Yehuda, R., Gilder, D. A., Bernert, R., & Karriker, K.J. (2023). Trauma, historical trauma, PTSD and suicide in an American India community sample, *Journal of Psychiatric Research*, 156, 214-220.
<https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2022.10.012>
- Eyerman, R. (2001). *Cultural Trauma Slavery and the formation of African American identity*. Published by Cambridge University Press (Virtual Publishing). ISBN 0 521 80828 6 hardback Original ISBN 0 521 00437 3 paperback ISBN 0 511 01602 6 virtual (netLibrary Edition).
- Fallah Hoseinabadi, F., Sarbazian, R., & Hasani Kholgh, A. (2017). Explaining the concept of social capital and its functions. *Tenth Congress of the Pioneers of Progress.*, 10, 791-801. [In Persian].
- Farwell, N. (2001). Onward through strength: Coping and psychological support among refugee youth returning to eritrea from sudan. *Journal of Refugee Studies*, 14(1), 43-69. [10.1093/jrs/14.1.43](https://doi.org/10.1093/jrs/14.1.43)
- Firoozjaeian, A., & Hashemian, B. (2018). Analysis of the relationship between degradation at the level of

- مطالعه کیفی در باب تأخر ادراکی از ریسک‌های محیطی
 در شهر تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۹ (۲)،
 ۱۲۷-۱۴۵. [10.22059/IJAR.2020.78409](https://doi.org/10.22059/IJAR.2020.78409)
- رستمی، ف. و غلامی حسن‌آبادی، م. (۱۳۹۴). امنیت
 هستی‌شناختی و استمرار مناقشه‌هسته‌ای ایران و غرب.
 سیاست جهانی، ۴ (۱)، ۱۳۵-۱۷۳.
- ریتزر، ج. (۱۳۹۲). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و
 ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست،
 تهران: نشر ثالث.
- عباس‌زاده، م؛ علیزاده اقدم، م. و اسلامی بناب، ر. (۱۳۹۱).
 بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی.
 مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱ (۱)، ۱۴۵-۱۷۲.
[10.22059/JISR.2012.36551](https://doi.org/10.22059/JISR.2012.36551)
- فلاح حسین‌آبادی، ف؛ سربازیان، ر. و حسینی خلق، آ.
 (۱۳۹۵). تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و کارکردهای آن.
 تهران: همایش کنگره پیشگامان پیشرفت، ۱۰، ۷۹۱-۸۰۱.
- فیروزجائیان، ع. و هاشمیان، ب. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه بین
 ناسازی در سطح میدان درون‌دانشگاهی و بیگانگی
 دانشگاهی. مسائل اجتماعی ایران، ۹ (۲)، ۱۳۵-۱۵۷.
[20.1001.1.24766933.1397.9.2.4.1](https://doi.org/10.22059/JISR.2012.36551)
- کمال‌الدینی، م. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی فاجعه (مروری بر
 نظریه‌های اجتماعی فجایع طبیعی). تهران: انتشارات
 اندیشه احسان.
- گرنفل، م. (۱۳۹۸). مفاهیم کلیدی پیر بورديو. ترجمه محمد
 مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- گیدنز، آ. و بردسال، ک. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن
 چاوشیان، تهران: نشر نی.
- منجمی، ا. و نعیمی، م. (۱۴۰۰). مرور سیستماتیک بروز
 صفات تاریک شخصیت براساس سبک‌های دل‌بستگی و
 تروماهای دوران کودکی. روان‌شناسی و علوم رفتاری
 ایران، ۲۵، ۱۰-۱.
- مؤمنی مفرد، م؛ سپهوند، ر. و ساعدی، ع. (۱۳۹۹). شناسایی
 و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تروماهای سازمانی با

- Psychology and Behavioral Science of Iran*, 25, 1-10 [In Persian].
- Nejati, M. (2016). *Fifty-two social challenges that have involved the mind of Iran*, site: <https://www.khabaronline.ir/news/654454>. [In Persian].
- Nozari, H. (2015). An analysis of neighborhood conflicts and its consequences in Tehran. *Journal of Social Problems of Iran*, 6(2), 373-390. doi: 10.22059/ijsp.2015.58569 [In Persian].
- Piran, P. (2013) *Conceptual and theoretical foundations of social capital*. Tehran: Elm Publishing [In Persian].
- Piri, S. (2017). *The most important issue of Iranian society today from the point of view of experts and University professors*, site: <https://www.tabnak.ir/fa/news/829959>. [In Persian].
- Razagi, H., Mohseni Tabrizi, A., & Ghaffari, Gh. (2020). A qualitative study on the perceptual lag of environmental risks in Tehran. *Journal of Anthropological Researches*, 9(2), 127-145 [In Persian].
- Pedović, I., & Hedrih, V. (2019). Social trauma and emotional attachment. *Facta Universitatis*, 18(1), 27-37.
- Ritzer, G. (2009). *Contemporary sociological theory and its classical roots*. Translated by S. Mosammaparast, Tehran: Sales Publication [In Persian].
- Rostami, F., & Gholami Hassanabadi, M. (2015). Ontological security and continuity of the nuclear conflict of Iran and the West. *Journal of World Politics*, 4(1), 15-173 [In Persian].
- Momeni Monfrad, M., Sepahvand, R., & Saedi, A. (2021). Identifying and prioritizing the factors affecting organizational trauma using delphi fuzzy approach. *Transformation Management Journal*, 12(23), 251-272 [In Persian].
- Szetompka, P. (2000). Cultural trauma: The other face of social change. *European Journal of Social Theory*, 3(4), 449-466. 10.1177/136843100003004004
- Tavakkol, M., & Hassanzadeh, A. (2013). Sociological understanding of civic trauma; motorcyclists' trauma in Tehran, 2010-11. *Sociological Review*, 20(2), 209-232 [In Persian].
- Tosone, C. (2021). *Shared trauma, shared resilience during a pandemic social work in the time of COVID-19*, ISSN 2520-162X ISSN 2520-1611 (electronic), Essential Clinical Social Work Series ISBN 978-3-030-61441-6 ISBN 978-3-030-61442-3 (eBook).
- the university field and academic alienation. *Social Issues of Iran*, 9(2), 135-157 [In Persian].
- Giddens, A. (2007). *Sociology*. Translated by Chavoshian, H., Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Grenfell, M. (2018). *Pierre Bourdieu: Key Concepts*. translated by M. M. Labibi, Tehran: Afkar Publishing [In Persian].
- Graham, H. (2020). Hysteresis and the sociological perspective in a time of crisis. *Acta Sociologica*, 63(4), 450-451. 10.1177/0001699320961814
- Habibi, D., Amiri Majd, M., & Karimi, A. (2020) Prediction of depression based on early life traumas and early maladaptive schemas in 7-12-year-old children. *Journal of New Advances in Psychology, Training and Education*, 3(24), 12-23 [In Persian].
- Hamburger, A., Hancheva, C., & Volkan, V.D. (2020). *Social trauma - an interdisciplinary textbook*. Springer International Publishing.
- Haskell, L., & Randall, M. (2009). Disrupted attachments: A social context complex trauma framework and the lives of aboriginal peoples in Canada. *Journal De La Santé Autochtone*, 5(3), 48-99.
- Hirschberger, G. (2018). Collective trauma and the social construction of meaning. *Frontiers in Psychology*, 9, 1441. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.01441>
- Hosseini Ghomi, M. (2016) Investigating the changes of social construction (Relational Construction): A sociological study of the network links of Tehran Bazaar, *Applied Sociology*, 27(4), 153-170 [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.21164>
- Irاندoust, F., Ahmadi, M., & Sanati, H. (2017) *Sociological theories*. Tehran, Ehsan Publishing [In Persian].
- Jalaeipour, H., & Mohammadi, J. (2012). *Recent theories of sociology*, Tehran: Ney Publishing [In Persian].
- Kamal Al-Dini, M. (2019). *Sociology of disaster (A review of social theories of natural disasters)*, Andisheh Ehsan Publications [In Persian].
- Kushner, H.I. (2018). *Social Trauma and Suicide in Historical Perspective*. <https://doi.org/10.4000/criminocorpus.3845>
- Lie, B. (2001). Traumatic events and psychological symptoms in a non-clinical refugee population in norway. *Journal of Refugee Studies*, 14(3), 276-294. 10.1093/jrs/14.3.276
- McDonoch, P., & Polzer, J. (2012). Habitus, hysteresis and organizational change in the politic sector. *Canadian Journal of Sociology*, 37(4), 357-380.
- Monajjemi, A. A., & Naeimi, M. (2021). A systematic review of the occurrence of dark personality traits based on attachment styles and childhood traumas.